مديريت، عدالت،مهدويت

صمصام الدين قوامي

اشاره:

مهدي به عنوان مظهر انسان كامل، عاليترين نوع مديريت را عرضه مي كند. نقطه ثقل مديريت كامله آن حضرت (عدالت تمام عيار) است. عدالت معاني متنوعي دارد. (ميانه روي در امور) مساوات و عدم تبعيض، عدم ارتكاب كبيره و عدم اصرار بر صغيره، نهادن هر چيزي در جاي خود، دادن حق هر ذيحق، برابري اجتماعي (قسط) رعايت مفاسد و مصالح در قانون گزاري، نقطه تعادل تمامي فضائل، تناسب و توازن و... و نيز وظائف مديريت عبارتند از (سازماندهي) برنامه ريزي، نظارت رهبري و انگيزش.

در اين مقاله سعي شده است براي تبيين مدل (مديريت عادلانه مهدوي) وظايف پنج گانه مديريت را با احتساب مفاهيم متنوع عدالت، تركيب و تحليل شود و اثبات گردد كه در همه ابعاد فردي و اجتماعي، اخلاقي و سازماني، دروني و بيروني، اقتصادي و سياسي، مادي و معنوي، مديريت آن حضرت عدالت محور بوده است، معيارهايي مانند شايسته سالاري، فراواني اقتصادي، امنيت، آباداني، معنويت، پيشرفت، خدمت، عدم ظلم و ستم، بسط علم و آگاهي، رشد و تعالي همه جانبه توسعه چند بعدي و... در سايه تركيب عالي عدالت و مديريت در حكومت آن حضرت پديد ميآيد.

در اين نوشتار از باب تيمن به چهل حديث از احاديث مديريتي آن حضرت استناد شده است كه خود يك نوع از اربعينيات محسوب ميشود. به اميد تحقق زود هنگام آن مديريت و آن عدالت.

طبق وعده هاي وحياني و معصومانه، مدينه فاضله مهدوي سرانجام تشکيل خواهد شد و انتظار بشريت به پايان مي رسد. البته ((مدينة المهدي)) به نوعي تکرار يا تداوم ((مدينة النبي)) است. پس مدينه فاضله مصداقي در گذشته و آينده دارد. براي اطلاع از ((مدينه در پيش)) مي‌توان نگاهي به ((مدينه در پس)) انداخت؛ نسخه برابر اصل است؛ دو باني و معمار هم نام و همراه هم کنيه، با يک عمامه و زره و شمشير و اسب و قرآن و برنامه، يکي خاتم الانبيا و ديگري خاتم الاوصيا، يکي صاحب ((ولاية کلية بالاصالة)) و ديگري ((صاحب ولاية کلية بالتبعية))، يکي ((مشبه)) و ديگري ((مشبه به))، با وجود شباهت فراوان که در اخبار آمده است. تنها تفاوت در ((کميت)) است؛ در ((کيفيت)) همه‌چيز مثل و مانند هم است. تفاوت در زمان و مکان و اندازه است. درست مثل عکس که بزرگ ميشود. كيفيت يک عکس (30 در40) همان کيفيت عکس (3 در4) است، بزرگ شده است با رعايت همه اصول و قواعد و غيره. اگر بخواهي بداني مهدي(ع) چه مي‌کند ببين نبي(ص) چه کرده است.

اما براي اطلاع از مدينه آينده، علاوه بر نمونه تاريخي نبوي، انبوهي از اطلاعات وحياني و معصوم هم به شکل پيش‌گويي و پيش‌بيني، در اختيار منتظران است. از خلال اين اخبار آسماني، چشم‌انداز مدينه فاضله مهدي روشن ميشود.

بنابراين شبکه اطلاع رساني وحي و عصمت، آنچه را شوق‌انگيز و اميد‌آفرين است در دست‌رس تشنگان عدالت مهدوي قرار داده است. اطلاع از آن هندسه عدالت و امنيت و سلامت و رفاه و علم، بشر را از وضع موجود بيزار و باشتاب به آن افق موافق سوق و شوق مي‌دهد. مگر نه اين که شب عاشورا، سيدالشهدا (ع) با انگشت ولوي پرده از غيب برداشت و مساکن طيبه هريک از ياران را نشان داد و آن شد که فردا در ميدان کربلا هيچ‌کس را هواي ماندن در دنيا نبود و مسابقه شهادت و پرواز همه را گرفته بود.

آيا مي‌توان از ((مديريت مهدوي)) و از ((عدالت مهدوي)) به گونه‌اي پرده برداشت که تنديس مقدس آن مدينه ((امن و سلام)) و ((عدل و عقل)) و ... بي‌حجاب رخ بنمايد و همگان را واله و حيران نمايد؟ امري صعب و مشکل است. البته در فاصله دو مدينه، غدير و عاشورا و انقلاب اسلامي را داريم که هرکدام رنگي و آهنگي از مدينة المهدي را دارند.

در اين نوشتار، ((مديريت)) و ((عدالت)) واژگان اساسي هستند که ارتباطشان با هم و سپس با مهدويت مورد بحث است. گويا ((مديريت عادلانه)) را دنبال مي‌کنيم و شايد ((عنصر عدالت در مديريت مهدوي)) را پي مي‌جوييم.

اما چرا عدالت؟ مگر نه اينکه گلواژه و بيت‌الغزل قيام آن حضرت عدالت است؟ منتظران مگر ترانه و ترنم نمي‌کنند که (جهان در انتظار عدالت و عدالت در انتظار مهدي) آيا مولاي ما را ((عدل منتظر)) يا ((عدل مشتهر)) نمي‌نامند؟ معصوم چه فرموده و سروده است؟ آيا غير از اينکه (با او زمين پر از عدل و داد مي‌شود، بعد از آنکه پر از ظلم و جور بود)؟ آري، ((عدالت)) اصلي‌ترين گمشده بشريت و اکسير اعظم و کبريت احمر است. با تحقق آن، امنيت و سلامت و علم و تربيت و همه نيازهاي تاريخي ديرينه بشر تأمين مي‌گردد.

عدالت چيست؟

دادن حق هر ذيحق؛

نهادن هرچيزي در جاي خود؛

موزون بودن (تعادل و تناسب و توازن)؛

ميانه روي بين افراط و تفريط (اعتدال)؛

تساوي و نفي هرگونه تبعيض (تفاوت قائل نشدن بين افراد)؛

رعايت استحقاق در افاضه وجود (عدل در تکوين)؛

عدم ارتکاب کبيره و عدم اصرار بر صغيره (عدالت فردي و فقهي)؛

برابري اجتماعي (قسط، عدالت اجتماعي و قضايي و سياسي و اقتصادي)؛

رعايت مفاسد و مصالح در قانون‌گذاري (عدل در تشريع)؛

نقطه تعادل و تلاقي تمام فضائل (مثلا عفت، شجاعت و حکمت که اوساط اخلاقي هستند، قدر جامعي به نام عدالت دارند) (نظريه عدالت ارسطو).

اين منظومه‌اي از عدالت آفاقي و انفسي تکويني و تشريعي، فردي و اجتماعي، اخلاقي و اعتقادي است. نقل جمع‌بندي استاد شهيد مطهري در مفهوم عدالت جالب است (عدالت آنجا که به توحيد يا معاد مربوط مي‌شود، به هستي و آفرينش شکل خاص مي‌دهد و نوعي جهان‌بيني است. آنجا که به نبوت و تشريع و قانون مربوط مي‌شود، يک مقياس و معيار قانون‌شناسي است... آنجا که به امامت و رهبري مربوط مي‌شود، يک شايستگي است. آنجا که پاي اخلاق به ميان مي‌آيد، آرماني انساني است و آنجا که به اجتماع کشيد، يک مسئوليت است).

امام خميني(ره) مي‌فرمايد:

اسلام خدايش عادل است، پيغمبرش هم عادل است، معصموم و امامش هم عادل است، قاضي‌اش هم معتبر است که عادل باشد، فقيهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه‌اش هم بايد عادل باشد. از ذات مقدس کبريا گرفته تا آن آخر زمامدار بايد عادل باشد، ولات آن‌هم بايد عادل باشند.

بنابراين امام عادل امامي است که حق هر ذي‌حقي را مي‌دهد يا پامال نمي‌کند. هر فرد يا چيزي را در جاي خود قرار مي‌دهد. از لحاظ رفتاري و منش و روش متوازن و متعادل است. از لحاظ نفساني، گرد گناه نمي‌گردد. فضايل را در خويش نهادينه کرده است. در اجتماع، اقامه قسط و برابري قضايي سياسي اجتماعي و اقتصادي مي‌کند. مساوات ايجاد مي‌کند. استحقاق‌ها را رعايت مي‌نمايد. در قانون‌گذاري رعايت مفاسد و مصالح را مي‌کند و به عبارتي، او هم قاضي عادلي است، هم زمامدار عادل و هم قانون‌گذار عادل. او عدالت را از خداوند اقتباس کرده است که در اداره هستي و انسان به عدالت و رحمت تکيه دارد و همگان را به عدل امر مي‌کند.

((همانا خداوند به عدالت و احسان امر مي کند)).

((اي کساني که ايمان آورده‌ايد، همواره براي خدا قيام کنيد و از روي عدالت گواهي دهيد. دشمني با جمعيتي، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنيد که به پرهيزگاري نزديک‌تر است و از معصيت خدا بپرهيزيد که خداوند از آنچه انجام مي‌دهيد با خبر است)).

از آنچه تا به حال گفته شد (عدالت در بينش، عدالت در روش و عدالت در ارزش)، نتيجه مي‌شود در (اخلاق و احکام و عقائد)، عدالت شاه نکته است، روح و جان است. بيهوده نيست که گفته شده ((بالعدل قامت السموات و الارض)) و گزاف نيست که شيعه را عدليه خوانده‌اند. گويا عدالت ممتازکننده‌ترين عنصر انديشه شيعي از غير آن است.

علل و موجبات عدل

موجبات عدل را مي‌توان به سه عامل تقسيم کرد: بودن قوانين و مقررات عادلانه، اجرا و تنفيذ آنها علي السواء؛ شعور مردم به حقوق خود که ((لا يدرک الحق الا بالجد)).

شايد علت اينکه در حکومت علوي که مظهر عدالت در رأ‌س آن بود، امام در محراب عبادت از شدت عدالت به شهادت رسيد و مردم نيز نتوانستند او را تحمل کنند، فقدان عامل سوم بود؛ يعني عدم درک صحيح مردم نسبت به حقوق خود؛ و الا از لحاظ قانون عادلانه و مجري عادل کمبودي نبود. اشکال در ضلع سوم مثلث عدالت بوده است و تا اين سه ضلع تکميل نشود، عدالت در حکومت و اجتماع تحقق نمي‌يابد و شايد علت تاخير و طولاني ظهور حکومت و مديريت عادلانه اين باشد که شعور مردم و آمادگي ادراکي آنها بالا رود و هم‌سنگ دو ضلع ديگر شود.

و اما ((اجراي عدالت)) که ماحصل ((مثلث عدالت)) است، نياز به مديريت دارد؛ آن‌هم مديريتي در سطح جهان با هر تنوع و تکثري که دارد.

مديريت چيست؟

رهبري و مديريت در عرف امروز با همه توسعه و شمولي که پيدا کرده است، اگر بخواهيم مرادف و همانندي براي آنها در مصطلاحات اسلامي پيدا کنيم، بايد بگوييم ارشاد و رشد و يا هدايت و رشد. قدرت رهبري همان قدرت بر هدايت و ارشاد است در اصطلاحات اسلامي.

رشد عبارت است از شايستگي و لياقت براي نگه‌داري و استفاده و بهره‌برداري صحيح از وسائل و سرمايه‌هاي حيات.

با توجه به اينکه امامت مرادف رهبري است (در قياس با نبوت که مرادف راهنمايي است)، مديريت يک امام همان قدرت بر ارشاد و هدايت و توانايي و شايستگي نگه‌داري و استفاده و بهره‌برداري صحيح از وسائل و سرمايه‌هاي حيات خواهد بود.

وظايف مديريت

با همه اختلافاتي که در ميان صاحبان نظريه مديريت وجود دارد، مي‌توان پنج وظيفه را که بر آن نوعي اتفاق است بشماريم: سازماندهي، برنامه‌ريزي، نظارت، هماهنگي (رهبري) و انگيزش.

انواع مديريت

مديريت بحران، مديريت توسعه، مديريت منابع انساني و مديريت بهره‌برداري، از عمده‌ترين اقسام مديريت است که در اين تحقيق مورد اهتمام خواهد بود. چراکه گنجايش يک مقاله بيش از اين اجازه نمي‌دهد.

مديريت عادلانه

بعد از آشنايي اجمالي با مفاهيم ((عدالت)) و ((مديريت))، اکنون به مفاد ترکيبي آن دو مي‌پردازيم. مراد چيست؟

بايد گفت اگر بخواهيم مديريت را نظر به همه افراد و انواع آن و به تفصيل بحث کنيم امکان ندارد. لذا از زاويه عدالت به مديريت مي‌نگريم و درحقيقت، از ((اجراي عدالت)) بحث مي‌کنيم.

مديريت عادلانه مهدوي

اين محل نزاع است. امام مهدي (عج) امامي عادل است؛ يعني از گناه به دور است (به کمک عصمت)؛ انساني کامل است؛ در کسب فضائل و رفض رذايل، در درون خويش به تعادل رسيده است. حتي از لحاظ جسمي و ظاهري متعادل و زيبا است. تمام خصوصيات جسمي و روحي او در اخبار به ما رسيده است. همه حاکي از يک اعتدال و جذابيت است. بينش او مبتني بر توحيد و عدل است. اراده او اعمال عدالت است. قانوني که در اختيار دارد قانوني عادلانه است . همان قانون محمدي علوي است بدون کم و کاست. مردمي که در زمان او هستند عدالت‌خواه و پشتيبان عدالت و آماده جهاد و فداکاري براي تحقق آن هستند. موانع راه عدالت يا زدوده شده و يا به دست قدرت او برچيده مي‌شوند و توان مقابله ندارند. مقتضي عدالت موجود و مانع مفقود است. بحث در نحوه تحقق عدالت و مديريت عدالت است. چگونه اين امام عادل، قانون عادلانه را براي مردم عدالت‌خواه، پياده مي‌کند؟ به هر ذيحقي حق مي‌دهد، هرچيز را در جاي خود مي گذارد، مساوات و توازن در جامعه پياده مي‌کند و ...

اين مقصود مقاله است. براي تنظيم اين مطلب براساس وظايف يک مدير سير مي‌کنيم و با توجه به اخبار در دست، هر وظيفه ناظر به عدالت را به بحث مي‌گذاريم.

سازماندهي

سازمان عبارت است از گروهي متشکل از دو يا چند تن که در محيطي با ساختار منظم و از پيش تعيين شده براي اهداف گروهي با يکديگر همکاري مي‌کنند. هنگامي که مديران منابع مادر را با تلاش افراد (دست کم دو نفر يا بيشتر) به منظور رسيدن به هدف‌ها ترکيب مي‌کنند عمل سازماندهي انجام مي‌شود .

در ذيل عنوان سازماندهي، مباحثي از قبيل ساختار سازماني، اهداف ساختاري تقسيم کار، اختيار و مسئوليت و نيز بحث وحدت فرماندهي و بحث قدرت مطرح مي شود که در اين مقاله، به فراخور، اشاره‌اي به آنها خواهد شد.

1ـ سازمان آن حضرت طبق تعريف فوق، اولين عنصرسازمان افراد آن هستند.

وقتي که قائم آل محمد (ص) ظهور کند خداوند او را با ملائکه مسومين مردفين و منزلين و کروبين در حالي که جبرئيل جلو، ميکائيل از طرف راست و اسرافيل در طرف چپ اوست ياري مي‌فرمايد رعب آن حضرت به اندازه يك ماه از طرف چپ مي‌رود و ملائكه مقربين، در پيش روي آن حضرت هستند.

2ـ اصحاب قائم سيصد و سيزده نفر از فرزندان عجم مي‌باشند. بعضي از ايشان را در روز با آشنايي با نام خود و نام پدر و نسب و شمائل در ابر سوار مي کنند و به مکه مي‌برند و بعضي در رختخواب خود خوابيده، نابهنگام در مکه ديده مي‌شوند، بدون ميعاد و سابقه قرار داد.

3ـ اولين کسي که با قائم (ع) بيعت مي‌کند جبرئيل است و سپس فرشتگان و نجباي جن و آن‌گاه نزديکان و ياران آن حضرت.

4ـ مفضل از امام صادق(ع) پرسيد: آقاي من، آيا فرشتگان و جنيان هنگام ظهور مهدي براي مردم ظاهر مي‌شوند؟ امام فرمود به خدا سوگند آري و با مردم گفتگو خواهند کرد، آنچنان که با هم سخن مي‌گويند. مفضل گفت: آيا فرشتگان همراه با مهدي(ع) حرکت خواهند کرد؟ امام فرمود: آري، مابين کوفه و نجف فرود مي‌آيند و تعدادشان چهل و شش هزار فرشته و شش هزار جن است.

5ـ وقتي قائم ما اهل بيت قيام کند، به محله‌اي از کوفه مي‌رود، به پا مي ايستد و با دست مبارکش به جايي اشاره مي‌کند که بکنيد آنجا را. حفر مي نمايند. دوازده هزار شمشير و دوازده هزار کلاه خود از آن‌جا خارج مي‌کنند که به دوازده هزار از عجم و موالي (ايرانيان) مي پوشانند.

6ـ شيعيان ما در زمان سلطنت قائم (ع) بزرگان اهل زمين و حکام بر آنها خواهند بود به هر مردي از آنها از جانب خداوند قوت چهل مرد داده مي شود.

حضرت ابوجعفر (ع) فرمود: شيعيان، قبل از ظهور، مرعوب دشمنان ما هستند؛ اما وقتي امر ما واقع و مهدي آل محمد (ع) ظاهر شد، هريک از شيعيان ما از شير با جرأت‌تر و از نيزه برنده‌تر مي‌شوند، دشمنان ما را لگدکوب مي کنند و آنها را با دست مي‌کشند .

7ـ گويا قائم را بر فراز تپه‌اي در کوفه مي‌بينم که زره رسول خدا (ص) را پوشيده است و سوار بر اسبي سياه است و چنان جنبش ايجاد مي‌کند که ساکنان هر سرزمين او را در ميان خود مي‌بينند. پرچم رسول الله را به اهتزاز درمي‌آورد و هيچ مؤمني باقي نمي‌ماند، جز آن‌که دلش همچون آهن سخت خواهد شد و قدرت چهل مرد را پيدا خواهد کرد. سيزده هزار و سيصد و سيزده فرشته همراه او (براي ياريش) خواهند بود؛ فرشتگاني که با نوح در کشتي بودند و با ابراهيم هنگامي که در آتش انداخته شد و نيز فرشتگاني که هنگام شکافته شدن دريا با موسي بودند و نيز آنها که با عيسي هنگام عروج به آسمان بودند و چهارهزار فرشته‌اي که روز عاشورا به ياري حسين شتافتند، اما حسين (ع) به آنها اجازه جنگيدن نداد. تمام اين فرشتگان در زمين منتظر قيام قائم (عج) هستند.

8ـ چون قائم (عج) ظهور کند و داخل کوفه شود، خداوند از گورستان وادي السلام هفتاد هزار صديق را زنده مي‌کند که همگي از اصحاب و انصار او مي شوند. شيخ مفيد(ره) نيز در کتاب ارشاد روايت کرده است که بيست و هفت نفر از قوم موسي و هفت نفر از اصحاب کهف و يوشع بن نون و سلمان و ابودجانه و مقداد و مالک اشتر از انصار آن حضرت خواهند بود و فرمانرواي کشورها مي‌شوند.

9ـ هرگاه قائم (عج) قيام کند، خداوند به فرشتگان فرمان مي‌دهد که بر مؤمنين سلام کنند و با آنان در نشست‌هايشان هم‌نشين شوند و هرگاه که يکي از مؤمنان نياز و درخواستي ]از حضرت[ داشته باشد، قائم (عج) فرشته‌اي را به سراغ او مي‌فرستد تا او را نزد قائم ببرد. سپس نيازش برآورده مي‌شود و مجددا به محل کار خود برگردانده مي‌شود. برخي مؤمنان در ابرها سير مي‌کنند و برخي‌شان با فرشتگان مي‌پرند و برخي نيز با فرشتگان راه مي‌روند؛ بعضي از مؤمنان از فرشتگان سبقت مي‌گيرند و بعضي نيز مورد مراجعه فرشتگان براي تحاكم و قضاوت قرار مي‌گيرند. در آن زمان، مؤمن نزد خداوند از فرشتگان گرامي‌تر است و قائم (عج) بعضي از مؤمنان را حاکم و قاضي بين صدهزار فرشته قرار مي‌دهد.

10ـ ياران مهدي، مرداني هستند فولاددل که همه وجودشان يقين به خدا است. مرداني سختتر از صخره‌ها که اگر به کوه‌ها روي آورند، آنها را از جاي برمي‌کنند، درفش پيروزمند آنها به هر شهر و پايتختي روي مي‌نهد، آنجا را به سقوط وادارد. گويي آنان مردان عقابان تيزچنگند که بر مرکب‌ها سوار شده‌اند. اين شيرمردان پيروز و عقابان تيزچنگ براي تبرک و فرخندگي، دست خويش به زين اسب امام مي‌کشند و بدين سان، تبرک مي‌جويند. آنان او را در ميان مي‌گيرند و جان خويش را در جنگ‌ها پناه او مي‌سازند و هرچه اشاره کند با جان و دل انجام مي‌دهند .

اين اخبار از سازمان آن حضرت، ياران حضرتش و سازماندهي ويژه‌اي که در زمان ظهور تحقق مي‌يابد خبر مي‌دهند که نكات ذيل (مخصوصاً در رابطه با عدالت) از آن قابل برداشت است:

الف ـ ياران آن حضرت از همه اديان و اقوام هستند: يهود، نصاري، اصحاب کهف، يوشع بن نون، سلمان، ابودجانه و مقداد و مالک اشتر (طبق حديث8) و نيز فرشتگان، (مانند جبرئيل، ميکائيل، اسرافيل) (حديث 4 و 9) جنيان (حديث 4) ايرانيان (حديث 5) عجم (حديث 2) که شامل هر نژاد غير عرب مي‌شود و بسياري از آنها پرونده و نام و نشان دارند (حديث 2) و خيلي جاها و مليت‌ها و اقوام ديگر که از احاديث ديگر قابل برداشت است. اين امر حاکي از يک نوع عدالت در سازماندهي است که آن حضرت نيروهاي خويش را صرفاً از يک نژاد و قوم خاص پذيرش و گزينش نمي‌کند و به شايستگي توجه مي‌کند و شايسته‌سالاري را اعمال مي‌کند و ((شايسته سالاري)) معياري مبتني بر عدالت است که معيارهاي خويشاوندگرايي و رابطه‌گرايي و امثال ذلک را در گزينش کنار مي‌زند.

سيد محمد صدر در فصلي از کتاب ارزنده تاريخ ما بعد الظهور به بيان خصال ياران حضرت مهدي(ع) پرداخته است و تحليلي در ذيل اخبار ارائه داده است که اخبار وارده را در بخش‌هاي ايمان، شجاعت، عبادت و ميزان فرمانبرداري تقسيم کرده و نشان داده است که هيچ تبعيض و ترجيح بلا مرجّح در سازمان انساني آن حضرت، چه سازمان اداري، چه نظامي و ... وجود ندارد. ما در اين مقاله به اين اخبار در بحث انگيزش خواهيم پرداخت. بنابراين عدالت در سازماندهي و گزينش ياران اولين قاعده استخراج شده اين مقال خواهد بود.

ب‌ـ اينکه در حديث 6 آمده است: ((شيعيان ما در زمان سلطنت قائم بزرگان اهل زمين و حکام آنها خواهند بود‌)) منافاتي با شايستهسالاري ندارد و دال بر تبعيض و ترجيح بي‌مورد نيست؛ چراکه اولاً شيعيان شامل تمامي نژادها و قوميت‌ها و کشورها و زبان‌ها خواهد شد و منحصر به گروهي خاص نيستند.

ثانياً شيعيان كابينه اصلي و نيروهاي کليدي را تشکيل مي‌دهند و از همه ساکنان ارض استفاده‌هاي به جاي خود در سازمان حضرت مهدي (عج) خواهد شد.

ثالثاً علت دادن کليدها و پست‌هاي اصلي به شيعيان، حقانيت و امتيازات معنوي و سابقه مبارزاتي (عقيدتي) آنها است. آنها منتظران واقعي بوده‌اند كه در زمان طولاني غيبت کبري، به انتظار فرج به عنوان افضل اعمال دل مشغول بوده‌اند و با ادعيه، صدقه، نماز، آمادگي و غير ذلک ترجيحاتي را به دست آورده‌اند که ديگر ياران مهدي ممکن است چنين ويژگي نداشته باشند. شيعيان حکم حواريون و خصيصين را دارند و در حقيقت، قاعده اصلي و کانون مرکزي سازمان حضرت هستند. ترجيح آنان با مرجح و عين عدالت است، لذا خداوند در قرآن مي‌فرمايد:

کساني که قبل از پيروزي انفاق کردند و جنگيدند با کساني که پس از پيروزي انفاق کردند يکسان نيستند. آنها بلند مقام‌تر از کساني هستند که بعد از فتح انفاق کردند و جنگيدند و خداوند به هر دو وعده نيک داد. و خدا به آنچه انجام مي دهيد آگاه است.

عدم تساوي مجاهدان قبل از فتح (و ظهور) و بعد از آن، منافات با عدالت ندارد؛ بلکه تساوي آنان ضد عدالت است. مگر نه اين‌که يکي از مباني اهل عدالت ((اعطاء کل ذي حق حقه)) مي‌باشد؟ آيا حق سبق و حق سابقه در جهاد، حق نيست؟ اين را حق ترجيح نام مي‌نهيم. در حکومت نبوي و علوي هم به صاحبان سابقه امتيازات بيش‌تري مي‌دادند. آنچه به عدالت در عين عدم تساوي اشعار دارد، تأکيد قرآن بر اين است که هر دو گروه با سابقه و بي‌سابقه از طرف خداوند وعده نيک دريافت مي‌دارند؛ هرچند در روايتي آمده که ايمان بعد از فتح نفعي ندارد.

ج‌ ـ در روايات ما آمده که ياران مهدي ((جان خويش را در جنگ‌ها پناه او مي‌سازند)).

اين هم منافاتي با عدالت ندارد و ظلم و تبعيض محسوب نمي‌شود. او خود طالب و مايل به حفظ جان خويش نيست؛ شمشير او علامت جهاد و فداکاري اوست. اين ياران مهدي هستند که حفظ او را حفظ اسلام و نظام مي‌دانند. چگونه مي‌شود وجود مقدسي را که همواره در انتظارش بوده‌اند به دم تيغ بسپارند. سيد محمد صدر معتقد است:

((شايد مقصود روايت اين باشد که حفظ جان امام (ع) فعاليت و تلاشي است مستقل كه ياران ايشان انجام مي‌دهند)) تا به جهت استفاده از علوم و تعاليم و دستوراتش برگرد وجود او حلقه زده و علاوه بر اين، با ايثار و اخلاص تمام جان او را نيز حفظ نمايند... چون امام را مظهر تمام‌عيار عدل و کمال مي بينند. بدين سبب، در مقابل او، خضوع کامل دارند: ((هم اطوع له من الامة لسيدها)).

د ـ در حديث 10، برتري مؤمنان بر فرشتگان در سازمان مهدي (عج) طرح شده است و فرشتگان در خدمت ياران او هستند. اين نيز بيانگر نوعي عدالت است؛ چرا که فرشتگان که گناه نمي‌کنند. قدرت آن را ندارند. ولي ياران مهدي(ع) كه با وجود قدرت بر گناه و عصيان، اين گونه مطيع و معصوم هستند، قطعاً برترند. هم‌چنين در آغاز خلقت هم مسجود فرشتگان بوده‌اند و بعد از طي سيکل طولاني، حق به حق‌دار مي‌رسد و فرشتگان کارگزاران مؤمنان مي شوند، همان‌گونه که درخدمت اهل عصمت و طهارت بودند. آنان در خدمت رسول خدا (ص) بودند و در جنگ‌هاي متعدد (حديث 7) و در خدمت نوح و ابراهيم و عيسي بودند و در خدمت حضرت حسين بن علي بودند (حديث 7) ولي حسين نپذيرفت. اين جلوه از عدالت است آن هم به معناي قرار دادن هر چيز در جاي خود که فرشتگان جاي واقعي شان خدمت به مؤمنان است. اين معناي از عدالت در کليه گزينش‌هاي حضرت مهدي (عج) مطرح است که نمونه‌اي از آن را در گزينش شيعيان به بحث گذاشتيم که پست‌هاي کليدي را اشغال مي‌کنند.

هـ يکي ديگر از جلوه‌هاي عدالت در حديث 8 ذکر شده که ((خداوند از گورستان وادي السلام هفتاد هزار صديق را زنده مي‌کند که همگي از اصحاب و انصار او مي شوند)). اگر از وادي السلام الغاء خصوصيت شود، مردگاني که هر صبح مخلصانه در دعاي عهد ترنم کرده‌اند که:

((گر مرگ بين من و مولايم فاصله شد، همان مرگي که براي بندگان حتمي و آمدني است پس مرا از قبرم خارج کن تا با زره‌اي مثل کفن و شمشير و نيزه آماده و آخته در دست به آقايم لبيک بگويم. هرجا باشم (دور و نزديک))).

اين دعا كه از حنجره‌هاي پاک منتظران بلند مي‌شده است، مورد استجابت قرار مي‌گيرد و در رکاب او قرار مي‌گيرند و اين هم عدالت است که به معناي مساوات است و عدم تبعيض و فرق‌گذاري چه فرق است بين مردگان و زندگان در بهره‌وري از فيض لبيک به معصوم؟ چگونه است آنان که نه در کربلا بودند تا شهيد شوند و نه در زمان ظهور زنده بودند تا در رکاب حضرت باشند با آن‌همه عشق از فيض جهاد درمحضر امام(عج) محروم باشند. عدالت اقتضا مي‌کند كه آنها هم با حضرت باشند. اين حديث براي منتظران بسيار انگيزاننده است که بدانند خداوند اجر آنها را ضايع نمي‌کند.

وـ يکي ديگر از جلوه‌هاي عدالت حضور زنان در سازمان آن حضرت است که از 313 نفر، در نقل‌هاي مختلف، 13 نفر، 50 نفر و ... هستند. به هر حال، اين زنان در جنگ هم شرکت دارند و مسئوليت‌هايي را هم علي القاعده بر دوش دارند البته به تناسب شأن و توان آنها... . به هر حال زناني که در احد بوده‌اند (مثل نسيبه) و پيامبر حضورشان را تأييد کرده است و در کربلا بوده اند (مثل زينب و ام کلثوم فرزندان علي (ع) ) به همين مناط، در رکاب آن حضرت هستند و تبعيض در اين زمينه نيست. اعمال اين عدالت در سازماندهي حضرت به معناي اعمال مساوات و برابري اجتماعي است.

اوصاف کلي ياران مهدي

رواياتي که اوصاف ياران حضرت مهدي (عج) را از نظر ايمان و اطاعت و شجاعت بر مي‌شمارند بسيارند که به نمونه‌هايي اشاره مي‌شود.

11ـ قندوزي در کتاب ينابيع‌المودة از ابي بصير نقل مي کند که امام صادق (ع) فرمودند:

گفتار حضرت لوط (ع) درباره قومش که فرمود: اي کاش مرا قوتي يا پناهگاهي امن و استوار مي بود که از شر شما محفوظ مي‌ماندم ، آرزويي است بر قدرت قائم ما (مهدي (ع)) و استواري يارانش که همان ارکان محکم مي باشند. هرکدام از مردان و ياران مهدي (عج) داراي قدرت چهل مرد هستند. دل هاي آنها از پاره هاي فولاد محکم تر است. اگر بر کوه‌ها بگذرند، کوه‌ها در هم فرومي ريزند. دست از شمشيرهاي خود در پيکار با دشمنان دين بازنمي گيرند تا آنکه خداي تعالي راضي شود.

12ـ سيدبن طاووس از ابن زرين غافقي نقل مي‌كند كه حضرت علي(ع) فرمودند:

ياران مهدي مرداني هستند فولاددل که همه وجودشان يقين به خداست و مرداني سخت تر از صخره ها که اگر به کوه ها روي آرند، آنها را از جاي برکنند. درفش پيروزمند آنان به هرشهر و پايتختي روي آرند، آنجا را به سقوط وادار سازند، گوئي آن مردان عقابان تيزچنگند که بر مرکب ها سوار شده اند، اين شيرمردان پيروز و عقابان تيزچنگ براي تبرک و فرخندگي دست خويش را به زين اسب امام مي کشند و بدين سان تبرک مي جويند. آنان او را در ميان مي‌گيرند، جان خويش را در جنگ ها پناه او مي سازند و هرچه او اشاره کند، با جان و دل انجام مي دهند. برخي از آنان شب هنگام نخوابند و زمزمه قرآن و مناجاتشان هم چون زنبوران عسل فضا را آکنده سازد، تا بامداد به عبادت خداي بايستند و بامدادان سوار بر مرکب ها شوند.

آنانند راهيان شب و شيران روز و هم آنانند گوش به فرمان امام خويش، ايشان چون مشعل هاي فروزانند که دل هاي استوارشان بسان قنديل هاي نور در سينه شان آويخته است. اين مردان تنها از خدا مي ترسند فرياد ((لا الله الا الله)) و ((الله اکبر)) آنان بلند است. همواره شهادت و کشته شدن در راه خدا را آرزو مي کنند و شعار آنان ((يا لثارات الحسين)) است. به هر سو روي مي آورند، ترس و بيم از هيبت آنان، پيشاپيش در دل مردمان افتد (و تاب مقاومت از همه گرفته شود) اين خداجويان سبک بال به سوي خداوند خويش روي مي آورند و خدا به دست آنان امام حق را ياري مي فرمايد.

13ـ قطب‌الدين راوندي در كتاب الخرائج والجرائح نقل مي‌كند كه:

اميرمؤمنان (ع) بر منبر فرمودند: در آخرالزمان مردي از فرزندان من به پا خواهد خواست ... ]تا اينکه مي گويند:[ هنگامي که پرچم او به اهتزاز درآيد، شرق و غرب را در برمي گيرد و او دستان پربرکتش را بر سر بندگان خدا قرار مي دهد. در اين هنگام، مؤمني باقي نخواهد ماند مگر آنکه قلبش از پاره هاي فولاد محکم تر شود و خداوند عزوجل نيروي چهل نفر را به او بدهد.

14ـ همچنين در روايت متعدد ديگر مانند آنچه در صحيح مسلم ذکر شده است:

آنان بهترين دليران روي زمين هستند. مرداني هستند که خدا را آن گونه که بايد شناخته‌اند. آنها پرچم داران حضرت مهدي(ع) هستند. آنان فقهيان، قاضيان و فرمان روايانند.

اخبار فوق بخشي از اخبار فراواني هستند که ويژگي ياران مهدي را بيان مي کنند و در حقيقت، به ((شايسته سالاري)) دلالت دارند. شايسته سالاري در رابطه با عدالت، از چند منظر و معنا قابل لحاظ است.

الفـ عدالت به معناي عدم ارتکاب کبيره و عدم اصرار بر صغيره که ملکه دروني عدالت را تشکيل مي دهد. اين خصلت ها که ذکر شد، از عبادت، ايمان، شجاعت، اطاعت مولا و قدرت، همه حاکي از ملکه شدن اين نوع عدالت در ياران مهدي است و آن حضرت عادلان را به اين معنا گزينش مي کند.

ب‌ـ عدالت به معناي اعتدال، دوري از افراط و تفريط و گزيدن حد وسط در بين رذائل و فضائل است. اوصاف ذكر شده حاکي از يك اعتدال دروني هستند. مثلاً شجاعت که در اخبار آمده حالتي معتدل بين جبن و تهور است.

دـ عدالت به مفهوم ((اعطاء کل ذي حق حقه)) و ((وضع کل شيء في موضعه)) ـ آن حضرت پرچم خود را به مردان صالح و صادق و حق شناس مي دهد که جز از خدا نمي ترسند و کشته شدن در راه خدا را همواره آرزو دارند و زمزمه قرآن و مناجاتشان چون زنبوران عسل فضا را آکنده سازد(حديث 12) .

وـ طبق حديث 14، اينان فقهيان و قاضيان و فرمان روايانند. آري، چنين شايستگاني براي چنين مناصبي مناسبند.

ه‍ ‌ـ ‌عدالت به معناي موزون بودن و متعادل بودن که در سازمان ياران مهدي محسوس است. نظم و اعتدالي که دارند، سازمان زيبايي که دارند و در جغرافياي وسيع شرق و غرب (حديث 13) و هرشهر و پايتخت (حديث 12) با اين گستردگي از انسجام و انتظامي خوب برخوردارند و همين نظم و اعتدال عامل فتوحات آنان است. در اين زمينه، کافي است به حديث 9 مراجعه شود و نيز حديث 4.

جمع بندي

سازماندهي آن حضرت کاملا متکي به عنصر عدالت است ( به تفصيلي که ذکر شد).

برنامه ريزي

دومين وظيفه مدير بعد از سازماندهي برنامهريزي است.

برنامهريزي مانند پلي است ميان جايي که هستيم و جايي که ميخواهيم به آن برسيم. برنامهريزي يعني انتخاب مأموريتها، هدفها و اقداماتي براي نيل به آنها که مستلزم تصميم‌گيري و انتخاب از ميان بديلها براي اقدام آينده سازمان است.

برنامهريزي اساسيترين وظيفه در ميان وظايف مديريت است. ديگر وظايف مدير، يعني سازماندهي‌ رهبري و‌‌کنترل، هدفهايي را پي ميگيرند که در فرآيند برنامهريزي پيگيري شده است. برنامهريزي جايگاهي را که سازمان در آينده بايد در آن قرار گيرد تعيين ميکند و سپس مجموعههايي از اعمال کارساز را که براي رسيدن به اين وضعيت در آينده ضروري است انتخاب و اجرا ميکند. همه افراد سازمانها و گروهها بايد براي فعاليتهاي خود برنامهريزي کنند تا بتوانند به خواستههاي خود جامه عمل بپوشانند.

آن حضرت (عج) برنامهريزي دارد. برنامهاي براي اجرا و ايجاد عدالت، عدالتي در تمام ابعاد، اقتصادي، سياسي، اجتماعي، امنيتي و ... که همان قسط است و عدالت اجتماعي (به معناي اعم) حال به گوشهاي و شمهاي از برنامههاي مهدي (عج) اشاره ميکنيم.

امام علي (ع):

15ـ در زمان حکومت مهدي (ع) گرگ و ميش با هم در يک مکان زندگي ميکنند. بچهها با مارها و عقربها بازي ميکنند، در حالي که اذيت نميشوند. شر از ميان ميرود و خير باقي ميماند.

16ـ قائم ما با رعب و با پيروزي تأييد مي شود. زمين در زير پاي او ميپيچد و گنجهاي آن از براي او آشکار ميشود. حکومت او مشرق و مغرب را فرا ميگيرد و خداوند دينش را بر همه اديان غالب ميگرداند، گرچه مشرکان ناخوش دارند.

17ـ وقتي قائم ما از مکه قيام کند و عازم کوفه شود، منادي به او ندا ميکند هيچيک از شما خوراکي و آشاميدني برندارد. مهدي (عج) سنگ موسي را که دوازده چشمه از آن جاري ميشود با خود حمل مينمايد در هر منزلي که وارد ميشود آن را نصب ميکند و چشمهها از آن ميجوشد و هر گرسنه از آن بخورد سير و هر تشنه سيراب مي شود. اين توشه آنان خواهد بود.

18ـ مهدي (عج) هفت سال حکومت خواهد کرد که هرسال از آن معادل ده سال از سالهاي شماست. آنگاه خداوند آنچه خواهد انجام خواهد داد.

ابوبصير ميگويد: گفتم فداي تو شوم، چگونه اين سالها طولاني مي شوند؟

امام فرمود: خداوند به فلک امر مي کند که کند حرکت کند. از همين رو، روزها و سالها طولاني ميشوند. ابوبصير مي گويد: اگر در فلک تغييري پيدا شود، عالم تباه مي شود. امام (ع): اين سخن زنديقهاست. اما مسلمانان اين سخن را خواهند پذيرفت. چرا که خداوند براي پيامبر خود ماه را دو نيمه کرد. قبل از آن براي يوشع بن نون خورشيد را برگرداند وخبر از طولاني بودن روز قيامت که معادل هزار سال شماست داد.

19ـ قائم ما به هر سو که رود، ابرها بر سر او سايه ميافکنند و با زباني فصيح مي‌گويند اين مهدي آل محمد (ص) است که زمين را پس از وفور بي عدالتي و ستم پر از قسط و عدالت ميکند. همچنين زمين در زير پاي او ميپيچد. (يعني قدرت طي الارض خواهد داشت)

20ـ چون قائم ما آل محمد (ص) قيام کند، شمشيرهاي نبرد (از آسمان) فرود ميآيند. بر هر شمشري اسم خود و نام پدر صاحب آن شمشير را نوشتهاند.

21ـ هرگاه قائم ما خروج کند، زمين گنجهاي خود را بيرون مي برد و مردم هم آن را مشاهده مي‌کنند.

22ـ هنگام ظهور، زمين به نور قائم (ع) منور ميگردد و تاريکي از ميان مي رود و مردم نياز به نورافشاني خورشيد و ماه ندارند.

23ـ در دوران ظهور، مؤمن پرندهاي از هوا به زير ميکشد، سپس آن را ذبح کرده و پس از بريان نمودن ميخورد، اما استخوانش را سالم باقي ميگذارد. آنگاه به آن ميگويند به اذن خداوند زنده شو، پس زنده مي شود و پرواز ميکند و همچنين است در مورد آهوهاي صحرا. در آن زمان قائم(عج) مايه روشني شهرهاست و مردم نيازي به خورشيد و ماه ندارند. بر روي زمين، نه جانوري موذي يافت ميشود و نه شري و نه سمي و نه فسادي" چرا که عدالت او آسماني است و نه جن و شيطان در آن راهي براي وسوسه و فتنهانگيزي ندارند. بنابراين نه کردار زشتي وجود دارد و نه جسارتي و نه حسادتي و نه چيزي از تباهي. زمين و درخت دچار آفت نميشوند و کشتزارها سالم و برپايند و هرگاه چيزي از آن برگيرند، در وقتش مي رويد و به حالت اول برميگردد. پدر خانواده به فرزندش لباس حرير ميپوشاند، در حالي که پيوسته با اوست و مندرس نميگردد و به هر رنگي که مايل باشد در ميآيد. براي شيطان در آن دوران بلدي يافت نميشود که در آن مسکن گزيند و فرشتگان با مؤمنان مصافحه ميکنند.

24ـ او گنجها را استخراج مي کند، اموال را تقسيم مي کند و اسلام را حاکم مي‌کند.

25ـ او متوجه شام ميشود. جبرئيل و ميکائيل اطراف او را ميگيرند، اهل آسمان و زمين شادماني ميکنند، پرندگان, وحشيان و ماهيان شادي ميکنند، آب در دوران او فراوان ميشود و رودخانهها جاري ميگردند، زمين ثمرات خود را ميافزايد، گنجها ظاهر و خارج ميشوند.

26ـ رسول خدا (ص) مي‌فرمايد:

در آخر امت من، مهدي خروج ميکند. خدا باران را برايش فراوان مي بارد و زمين، گياه خود را مي روياند. او مال را به شکل صحيح تقسيم ميکند، مرکبها فراوان ميشوند و مردم مورد اعظام و اکرام مي شوند. او هفت يا هشت سال حکومت مي‌کند.

27ـ رسول خدا (ص) مي‌فرمايد:

مهدي هفت يا هشت سال حکومت ميکند. امت من در آن در تنعم و رونق هستند که هيچ امتي اينگونه در رفاه نبوده است. زمين هرچه دارد بدون کم و کاست رو ميکند، مال در آن زمان مثل دوس است به هرکس مي رسد. ميگويند هرچه مي‌خواهي بردار.

28ـ در زمان قائم(عج)، فراواني و وفور از جهت باران و کشاورزي است. کينه از دل بندگان مي رود، وحشيان رام مي شوند، يک زن بين عراق و شام عبور مي‌كند. در حاليكه همه جا همواره گياهان و مزارع است و زينت خود را با خود دارد، هيچ درنده اي او را دچار اضطراب و ترس نميکند. اگر مي‌دانستيد به خاطر ايستادگي در برابر دشمن و تحمل ناروائي‌ كه مي‌شنويد چه چيزي براي شما خواهد بود و هر آينه دلهاي شما شاد مي‌شد.

29ـ اميرالمومنين(ع) مي‌فرمايد:

مهدي(عج) فرماندهان (فرمانداران) را به شهرها ميفرستد تا به عدالت بين مردم حکم کنند. گوسفند يا گرگ يکجا خواهند بود، بچهها با عقرب و مار بازي ميکنند، بدون آزار و اذيت... بدي ميرود و خوبي باقي ميماند. رونق کشاورزي بياندازه ميشود. زنا، شرب خمر و ربا رخت برميبندد، مردم به عبادت، شريعت و ديانت روي مي آورند، نماز جماعت رونق ميگيرد. عمرها طولاني مي‌شود، امانات اداء ميشود، درختان پرميوه ميشوند، برکات فراوان ميگردد، اشرار نابود ميشوند، اخيار باقي ميمانند، دشمنان اهل بيت باقي نميمانند.

اين مشتي از خروار است. احاديث فراوان ولي مجال اين مقال اندک است.

دو عنصر برنامهريزي و عدالت از ميان اين اخبار نوراني موج ميزند. نياز به شرح نيست ((عدالت اجتماعي)) که شامل عدالت در همه عرصهها ميشود، کاملاً مشهود است.

در حديث 19، بحث از پر کردن زمين از قسط و عدل است و در حديث 28: بحث از حکومت عادلانه فرمانداران و کارگزاران او در بلاد است. از اين قبيل اخبار که از اعمال عدل به شکل مطلق ياد ميکند، در جوامع حديثي مهدوي فراوان است. مخصوصاً که اصطلاح (مملو کردن) طرح شده، آنهم بعد از مملو بودن از ظلم، پرکردن عدل" يعني فراگيري و گسترش و همهجانبگي عدالت. استاد مطهري ميگويد :

((آيات قرآني عدل را چهار قسمت کرده: عدل تکويني، عدل تشريعي، عدل اجتماعي و عدل اخلاقي و آنچه در قرآن در زمينه عدل اجتماعي آمده، چهار قسمت است: عدل خانوادگي، عدل قضايي ، عدل اصطلاحي اجتماعي و عدل سياسي بيش‌ترين آيات مربوط به عدل و درباره عدل جمعي و گروهي است، اعم از خانوادگي، سياسي، قضايي، اجتماعي. تا آنجا که اين بنده به تقريب به دست آورده در حدود 16 آيه در اين زمينه است.

برنامه حضرت مهدي(عج) امتلاء ارض از عدالت به صورت تمام و كمال است والا (يملأ الارض به قسطا و عدلا) معنا ندارد و اما آنچه از اخبار به دست ميآيد و جز برنامه عادلانه اوست:

الفـ عدالت اقتصادي (آشکار شدن گنجها در حديث 16) که در احاديث فراواني به آن اشاره شده، حاکي از يک فعاليت عظيم و رونق اقتصادي است که آنچه ثروت در دل زمين است استخراج ميشود. هرچند لحن آيات حاکي از يک اعجاز و کرامت است، ولي ميتواند حاکي از قدرت مديريت برنامه‌ريزي آن حضرت در به کارگيري نيروها هم ميباشد. به هرحال، اين اصطلاح مکرر(آشكار شدن گنجها)، سمبلي از رونق و استخراج معادن گوناگون است" يعني مديريت بهرهوري يعني استفاده از جميع امکانات زمين، نه اينکه زمين پر از ثروت باشد و مثل بعضي کشورها، مردم روي آن گرسنه قدم بزنند.

بـ اصطلاح ((فراواني باران‌)) (حديث 25 و 26)، ((جوشش چشمهها)) (حديث 17)، ((فراواني آب در دولت او)) (حديث 25) حاکي از عدالت است" چرا که در اخبار است اگر عدالت قضايي باشد، آسمان مي بارد. و نيز حاکي از يک (مديريت آب) است که از شاخههاي مديريت بهرهوري است.

جـ عدالت بالسّويه اجتماعي کاملا مشهود است" چرا که لحن حديث مطلق است و شامل همه انسانها در همه زمين ميشود. بحث از سرزمين خاص نيست" قلمرو حکومت او سراسر سرزمين و همه انسانها هستند و طبق اخبار که هيچ قيدي ندارد، اين ثروت جوشان، فراگير و بدون تبعيض است و شعبهاي از رحمت رحمانيه است.

دـ در تعريف برنامهريزي گفته شد انتخاب اهداف از عناصر اصلي آن است و کليه اقدامات و تصميمگيريها براي رسيدن به آن اهداف انجام ميپذيرد. مهدي (عج) از حکومت خود چه هدفي دارد، جز همان اهداف که رسول خدا (ص) و اميرالمومنين (ع) داشتند كما اينكه آن حضرت در يک خطبه به چهار هدف اشاره ميکند (احياي معالم و شعائر دين خدا، اصلاح (آباداني شهرهاي خدا) امنيت بندگان مظلوم خدا و اقامه حدود خدا) همين اهداف را امام حسين(ع) هم به عينه بيان ميکند. اين اهداف در يک کلمه قرآني (قيام به قسط) خلاصه مي‌شود.

در اخبار فوق، مهدي هم امنيت ميآورد. نماد امنيت بازي کردن بچهها با عقربها و مارها بدون ترس (حديث 15)، مسافرت يک زن با زينت بدون ترس از عراق به شام (حديث 28)، جمع شدن گرگ و ميش با هم (حديث 15)، رفتن بديها و بدها و باقي ماندن خوبيها و خوبها (حديث 23) ميباشد. اينها سمبل امنيت بندگان مظلوم است که ((زن و بچه)) به عنوان مثال اتم است که نوعا در بحرانها دچار وحشت ميشوند (بيش از مردان) و پرواضح است که امنيت کامل در سايه عدالت قضايي است. اگر قاضيان عادل نباشند و احقاق حق و ابطال باطل نکنند، امنيت افسانهاي بيش نخواهد بود. قرآن ميفرمايد:

(((در زمان ظهور) خداوند براي مؤمنان و عاملان صالح خوف را به امنيت تبديل مي‌كند.))

و اين وعده خدا تحقق مييابد. ((اصلاح در بلاد)) که از اهداف حکومت علوي بوده است هم در حکومت مهدوي از خلال اخبار مشهود است. نسلها اصلاح ميشود، اخلاقها اصلاح ميشود، بديها وجود ندارد، منکر زائل ميشود، لباسها مندرس نميشود. هر رنگ بخواهند ظاهر ميشود (حديث 23) اگر دقيق مرور شود، رونق اقتصادي و بي نيازي مردم از هر حيث حاکي از يک عدالت اقتصادي است. فقر توزيع نميشود که نوعي عدالت منفي است" بلکه فراواني و ثروت توزيع ميشود. اين حديث پيامش اين است که کسي زير خط فقر نيست. تهاجم فرهنگي از بين ميرود که نوعي عدالت فرهنگي را ميرساند (براي شيطان جايي باقي نميماند)" يعني اينکه تهاجم و نقشههاي او شکست ميخورد. هيچ پدري جلوي فرزندش خجل نيست. تسلط اقتصادي و فرهنگي دارد. مردم مرغ را ميخورند، دوباره زنده مي‌شود، يعني هيچ کمبودي نيست. تمام اهداف چهارگانه علوي و تمام اقسام عدالت که استاد مطهري شمرد، همه در اين اخبار مندرج است.

هـ برخي انديشوران برآنند که امام مهدي مبدءالآيات است يعني صاحب معجزه است و تمام برنامه ريزي و سازمان دهي و رهبري و نظارت او اعجاز آميز است و اخبار حاکي از اين امر است. و لذا مديريت او با استانداردهاي مديريت مادي و تمدني سازگار نيست طرحي نو در مي‌اندازد با ساقي به هم مي سازد و سقف مي شکافد و نيز برخي ديگر برآنند که عدالت مهدوي ناشي از عدالت خدايي است و عدل مثل توحيد امري فطري است. و چون تمدن موجود بشري افسار گسيخته و به دور از استانداردهاي عدل فطري است و امام مهدي (عج) عدالت فطري را پياده مي کند. پس لاجرم با اين تمدن هاي مادي و اندازه هاي آن نمي سازد و از راهبردهاو راه کارهاي ديگر فوق مادي استفاده مي کند و جامعه اي بدور از معيارهاي شناخته شده مي سازد.

به نظر مي رسد که لحن اخبار و ادبيات خاص آن که مبتني بر فرهنگ مغيبات است موجب چنين برداشت هايي شده است در صورتي که انديشمندي ديگر معتقد است که همه چيز عادي و مادي است حتي اگر بحث از نوري در کف دست ياران مهدي ديده مي‌شود که از يکديگر اطلاع پيدا کنند همين وسائل ارتباط الکترونيک جديد است و نه امري خارق العاده، آنچه حق است امري ميان اين دو نوع انديشه است.

حکومت حضرت مهدي(عج) چون آخرين حلقه حکومت ولوي و رحماني است علي القاعده از نوعي کرامت برخوردار خواهد بود تا ريشه تمام ظلم و استکبار را بکند و بخشکاند و چون سنت خداوند جريان امور از طريق اسباب است از تدابير سياسي اجتماعي و اقتصادي شناخته شده استفاده مي شود منتهي با قدرت و سرعتي خارق العاده‌تر و به قول بعضي متفکران معاصر (اينکه همه سلاح ها در مقابل مهدي(عج) از کار مي افتد به اين علت است که حضرت مهدي(عج) آگاهي مي‌دهد لذا آن ها به ناکارايي سلاح ها و تو خالي بودن دشمنان پي مي‌برند و مقابله مي کنند و آن سلاح بي تاثير مي شود در مقابل اراده مردم مثل انقلاب بهمن 57) با اين برداشت ادبيات کرامت آميز مهدوي که تا بحال 29 نمونه از آن، در اين مقاله نقل کرديم. در عين خارق العاده بودن تاثير به خاطر شخصيت خارق العاده حضرت مهدي (عج) همه چيز را از طريق اسباب خودش پي مي گيرد. و حضور فرشتگان و اجنه هم از اين قبيل قدرت هاي رواني و روحي است که گاهي تحت عنوان (رعب) در بعضي اخبار طرح شده است (حديث)

اين نکته را از اين جهت نقل کرديم که وقتي از عصر عدالت همه جانبه در برنامه ريزي آن حضرت سخني مي رانيم نگاه صحيحي داشته باشيم. چرا که حکومت مهدوي همانند حکومت نبوي و علوي براي ما منتظران الگوست صرف اميدزايي نيست بايد با استاندارهاي بشري قابل تحقق باشد تا بتوانيم در حکومت هاي اسلامي قبل از حکومت مهدوي به تحقق عدالت اجتماعي همت گماريم.

بر اين اساس حديث 17 که از سنگ موسي که همراه مهدي است و واجد همه تداركات است مي تواند وسيلهاي بسيار پيش رفته باشد چرا که قسمت اعظم علم نزد حضرت مهدي(عج) است و مي تواند پيش رفته ترين امکانات را در اختيار بگيرد.

نکته‌اي که باقي مي‌ماند لحن شديد امام صادق (ع) در حديث 18 است که مخالفان طولاني شدن سال ها را زنديق مي‌شمارد كما اينكه مخالفان انشقاق قمر به دست رسول خدا (ص) را زنديق ميانگارد. زنديق منكر قدرت خارق العاده الهي است. بايد گفت اگر ما قاعده (جريان امور از طريق اسباب) را بپذيريم همه چيز حل مي شود. حتي طولاني شدن زمان، کما اينكه در تعريف معجزه و تمايز آن با سحر به همين نکته (تکيه بر اسباب ) اشاره و تکيه مي شود.

به تناسب نکته‌اي برنامه‌ريزانه هم گفته شود و آن اينکه از انواع برنامه ريزي مديريت زمان است و حديث 18 به آن هم اشاره دارد. مديريت زمان علاوه بر تعريف اصطلاحي آن که بهره برداري بهينه از زمان است و شعار مبنايي آن (توزيع الوقت توسيع الوقت است) با الهام از اين حديث مي تواند معناي خاصي پيدا کند و آن مديريت زمان با ولايت تکويني است که بتوان آن را توسعه داد، و شايد اين معنا باشد که توسيع و طولاني شدن وقت حاکي از بهترين استفاده از زمان است. وقتي از ثانيه ثانيه به شکل مفيد استفاده کنيم زمان اضافه مي آوريم. صاحبان مديريت زمان در 24 ساعت که ديگران هم در اختيار دارند برآمدي 72 ساعته يا بيش تر دارند، چرا که بلدند چگونه استفاده کنند، اين رمز و راز مديريت زمان است، بر اين اساس توجه به تدبير الهي حضرت مهدي (عج) و مديريت فوق عالي زماني توسط ايشان گويا زمان طولاني تر از هميشه است مثلا در حديث شماره 26 مدت حکومت ايشان را به هشت يا نُه سال دانسته است ولي همين زمان وقتي خوب بهره برداري شود با هزار سال برابر است.

لذا آن حضرت برنامه ريزي عادلانه و خارق العاده خود را که در همه ابعاد است در همين مدت کوتاه انجام مي دهد ... از اين رو نياز نيست خيلي خود را اسير اعداد و ارقام نماييم. (والله العالم) اين همان عدالت بي پاياني است که توسط آن حضرت انجام مي گيرد.

وـ حديث 20 حاکي از مسلح بودن و توانايي نظامي همگاني است همه به نامشان شمشيري ثبت است اين نوعي عدالت است که همه آموزش دفاعي و نظامي مي بيننند و نيز فراواني سلاح را نشان مي دهد در مقابل اين امت مسلح و تحت فرمان فرمانده چگونه مي‌توان ايستاد؟!

ح ـ حديث 22 حاکي از اوج عدالت اجتماعي است که آنچنان صحنهها را نوراني مي کند که گويا مردم نيازي به نورافشاني خورشيد و ماه ندارند. و چون نور فراگير است، پس عدالت او فراگير است.

طـ حديث 25 حاکي از رضايت همگاني از حکومت آن حضرت است که ناشي از اعمال عدالت است. چرا که شادي آسمان و زمين را ناشي از ظهور او و ظهور آب و گنج از آسمان و زمين مي داند اين يک عدالت رضايت آميز است.

يـ در حديث 26 بحث از تقسيم صحيح اموال است که همان توزيع عادلانه ثروت است که به لفظ (صحيح) از قول نبي اکرم(ص) طرح شده است يعني عمده ترين معضل اقتصادي حکومت ها و دولت ها را حضرت مهدي (عج) با مديريت عادلانه و برنامهريزي عادلانه اقتصادي خود حل مي کند و به گونه اي که رسول خدا (ص) در حديث 27 بر بي‌نظيري رفاه مهدوي اشاره مي‌کند آنقدر مردم در اثر اين توزيع بي نياز مي شوند که سياست چک سفيد اعمال مي شود و طبق حديث 27 مال در يک ظرف است و هرکس به شکل آزاد از آن برمي دارد.

كـ اين عدالت اقتصادي و اين برنامه ريزي کم نظير اجتماعي از آن رو به ثمر مي نشيند که طبق حديث 29 در آن ربا وجود ندارد، ربا مظهر اقتصاد و تجارت نامشروع و غيرصحيح است و اين يک پيام است براي کليه اقتصاد دانان که تنها راه عدالت اقتصادي گريز از ربا و خانواده آن است (هر نوع فساد اقتصادي) حديث 29 مي گويد وقتي ربا و زنا و بدي و شرب خمر نيست، عمرها طولاني توليدات عالي ديانت و امانت موجه و معروف و برکات فراوان مي گردد. و اينکه مي فرمايد دشمنان اهل بيت باقي نمي مانند کنايه از اين است که اقتصاد اهل بيت حاکم مي شود اقتصادي که قرنها مانع از تحقق داشته است بدست مهدي (عج) پياده مي شود.

جمع بندي: پس عدالت اجتماعي اعم از عدالت قضايي، فرهنگي، اقتصادي و خانوادگي و شغلي و امنيتي است که از خلال اخبار فوق استنتاج شد. و دست آورد دست پرقدرت مهدي (عج) مي باشد. که ناشي از برنامه ريزي است به عنوان يکي از پنج وظيفه مديريت.

نظارت

سومين وظيفه يک مدير نظارت است

نظارت يا کنترل را به گونه هاي مختلف تعريف کرده اند در همه اين تعريف ها کنترل را نوعي مقايسه بين آنچه هست و آنچه بايد باشد دانسته اند يکي از اين تعاريف از استونر است که مي‌گويد:

کنترل مديريتي فرآيندي است جهت حصول اطمينان از اين كه فعاليتهاي انجام شده با فعاليتهاي برنامهريزي شده مطابقت دارد در واقع كنترل فراگيرتر از برنامه ريزي است کنترل مديران کمک ميکند تا مراقب اثر بخشي فعاليت هاي برنامه ريزي، سازماندهي و هدايت باشند، بخش اصلي فرآيند کنترل، اعمال اقدامات اصلاحي مورد نياز است.

يکي از عللي که موجب مي شود مديران به سختي تفويض اختيار کنند اين است که نگرانند زيردستان کاري را که مسئوليتش بر عهده آنان است به درستي انجام ندهند، اگر مدير نظام کنترل موثري به وجود آورد اين بي ميلي به تفويض اختيار کاهش مي يابد. مديراني که اختيار خود را تفويض مي کنند چون نهايتا خود مسوول تصميمهايي هستند که زيردستان مي گيرند به سازوکار بازخورد نيازمندند.

نظارت ها دو دسته است:

اول خود نظارتي يا نظارت از درون؛

دوم نظارت بيروني و سازماني.

در ديد اسلام نظارت دروني بر دو پايه عدالت و تقوا است ?اعدلوا هو اقرب للتقوي? ((عدالت کنيد به تقوي نزديک شويد)) عدالت در اين معنا همان اعتدال دروني و کسب اوساط از فضايل و نيز دوري از کبائر و عدم اصرار بر صغائر و اموري که مورد نظارت هستند عبارتند از: افراد امور مالي، عمليات و برنامه‌ها.

در حکومت مهدي(عج) نظارت چگونه است؟ به چند خبر مهدوي اشاره مي کنيم:

30ـ چون قائم آل محمد قيام کند به هر اقليمي مردي مي فرستد و به او مي‌گويد: فرمان تو در کف توست چون با موضوعي مواجه شوي که از آن سردرنياوري و نفهمي به کف دست خود نظر کن و به هرچه در او بيني عمل نما قشوني به قسطنطنيه مي فرستد چون به خليج برسند چيزي بر پاهاي خود مينويسند و روي آن راه مي روند اهل روم آنها را مي‌بينند و مي گويند اينها اصحاب او هستند که روي آب راه مي روند پس خود او چگونه است؟ آن گاه دروازه شهر را به روي آنان بازخواهند کرد آنها وارد مي شوند و هرچه بخواهند حکم مي‌نمايند .

31ـ هرگاه قائم ما قيام کند خداوند به گوش ها و چشم هاي شيعيان ما قوه و نيرويي بخشد در حالي که بين آنها و قائم (ع) واسطه اي نباشد، با شيعيان ما تکلم فرمايد و آنها مي‌شنوند و به آن حضرت مي نگرند در حاليکه آن حضرت در مکان خود مي باشد .

32ـ گويا قائم را مي بينم که در پشت نجف بر اسبي سياه همراه با نقاطي سفيد و خطي سفيد در پيشاني آن سوار شده است آن گاه آن را به حرکت مي آورد و در پس در اين هنگام اهل همه سرزمين ها او را در پشت سرزمينشان مشاهده مي کنند .

33ـ در خصوص قول خداوند ?اينما تکونوا يات بکم الله جميعا? ؛ ((هرجا باشيد خدا همه شما را جمع مي‌کند)) ابالحسن(ع) مي‌فرمايد: مربوط به قيام قائم است که خداوند جمع شيعيان را از جميع بلدان جمع مي‌کند.

34ـ امام باقر (ع) در تفسير آيه ?الذين ان مکنا هم في الارض اقاموا الصلوة و آتو الزکاة و امروا بالمعروف و نهو اعن المنکر فللّه عاقبة الامور? فرمود: اين مربوط به آل محمد (ص) است مهدي(ع) و اصحاب او را خداوند در مشارق و مغارب زمين حاکم مي‌گرداند دين را پيروز مي گرداند و بوسيله مهدي و اصحاب او بدعت ها و باطل را زائل مي‌کند پيروان باطل را هم زائل مي‌کند تا اثري از ظلم نماند ياران مهدي امر به معروف و نهي از منکر مي‌کنند و

عاقبت امر از آن خداست (سرانجام دين خدا حاکم مي‌شود).

35ـ امام صادق(ع) فرمود: در زمان قائم مومني در شرق برادرش را در مغرب مشاهده مي کند و آنکه در مغرب است برادرش را در مشرق مي بيند.

اخبار فوق حاکي از نظارت آسان و جمعي است همه تحت نظر ديگري و ديگران هستند (حديث 35 و 31) . امر به معروف و نهي از منکر به عنوان نظارت عمومي رايج است و از برنامه هاي اصلي دولت مهدي(عج) است (حديث 34) از خصوصيات ياران مهدي (عج) به شکل بارز ايمان و تقوي و شجاعت است (احاديث 7 تا 14) که خود حاکي از يک نظارت دروني يا خود نظارتي است که در مديريت نوين به آن اهتمام ويژه‌اي مي‌شود.

مديران را از نظارت تحميلي پرهيز و به خود نظارتي سوق مي دهند و اين همان نهادينه شدن ملکه تقوي و عدالت است. بنابراين ظهور عدالت دروني که عامل پرهيز از گناه و موجب تعادل اخلاقي و فضيلتي است در ياران مهدي موج مي زند و نظارت را خود بخود اعمال شده قرار ميدهد ... (اين يک جلوه از عدالت درنظارت و مديريت عادلانه مهدي)

از سوي ديگر در مديريت نوين از (نظارت موثر) صحبت شده است که عبارت است از نظارتي که به جمع آوري اطلاعات اکتفا نمي‌کند بلکه با استفاده از بهترين ساز و کارهاي نظارتي و بهترين راه کارها تا پايان پيش مي‌رود و کار نظارت را با اقدام اصلاحي تمام مي‌کند. آن گاه يکي از خصلت‌هاي نظارت موثر (اعتدال در نظارت) شمرده شده که ميانه روي در نظارت است نه خيلي زياد نه خيلي کم و گفته شده نظارت زياد به لجاجت، فريب دادن و دادن اطلاعات غير معتبر و اصلاحات مقطعي مي‌انجامد و نظارت کم به تورم هزينه ها مي‌انجامد، لذا نظارت معتدل سفارش شده است.

ما يکي از معاني عدالت را معناي چهارم ميانه روي و دوري از افراط و تفريط آورديم. و حکومت مهدي (عج) که مظهر عدالت تمام عيار است از بعد ميانه روي هم بهره مند است لذا آن حضرت از نظارت ميانه و موثر استفاده مي کند. چون يارانش پاک و پاک باخته هستند، به شکل خودجوش کار مي کنند ولي از آن جهت که فرد هرچه بهتر باشد بازهم نظارت مي‌خواهد براي اين کار طبق حديث 30در کف دست آنها نوري قرار داده که عامل ارتباط و نظارت است ... علاوه بر اينکه نظارت عمومي امر به معروف و نهي از منکر هم وجود دارد. (طبق حديث 34).

وجهه سوم عدالت در نظارت عدالت به معناي مساوات و رفع تبعيض است چرا که لسان اخبار مطلق است و همگان را شامل مي شود حتي خود حضرت علاوه بر اينکه از سوي خداوند تحت نظارت است. از سوي مردم هم به وسيله امر به معروف و نهي از منکر و بوسيله نور در کف دست هر فرد تحت نظارت است هرچند عصمت دروني او را بي نياز کرده است ولي عدالت اقتصادي تعميم در نظارت را دارد. چرا كه ملاك نظارت وجود اختيار و مسئوليت است. و بالاترين مسئوليت در اختيار مهدي (عج) است. (او نيز همانند جدش علي(ع)) كه خود را از نظارت مستثني نميدانست و مردم را به نصيحت خويش دعوت ميكرد، خود را از نظارت مردم مستثني نمي‌داند؛ اگرچه در عمل موردي براي اقدام اصلاحي پيدا نشود. و دليل ديگر اين نظارت پذيري مهدي(عج) اين است كه الگو بودن حكومت براي حكومتهاي قبل از ظهور هم باقي بماند كه همه خود را نيازمند نظارت بدانند.

جمعبندي؛ نقش عنصر عدالت در نظارت: (طبق معاني دهگانه عدالت كه در آغاز اين مقاله آمده است)

نظارت دروني يا خودنظارتي كه همان كلمه عدالت و تقوا است؛ (معناي هفتم و دهم عدالت).

نظارت معتدل و به دور از افراط و تفريط؛ (معناي چهارم عدالت).

نظارت عام و همگاني از پائين به بالا يا از بالا به پائين بدون تبعيض. (معناي پنجم عدالت).

انگيزش

چهارمين وظيفه يك مدير انگيزش است. انگيزش از سادهترين و در عين حال پيچيدهترين وظايف مديريت است. به اين دليل ساده است كه مردم به سوي رفتاري كه احساس كنند پاداشي در پي‌دارد برانگيخته ميشوند. بنابراين؛ برانگيختن شخص نبايد كار چندان دشواري باشد؛ فقط بايد مشخص شود كه شخص چه ميخواهد تا بتوان از آن به عنوان پاداش و انگيزه استفاده كرد. در همين مرحله نيز انگيزش پيچيده مي‌شود؛ چرا كه آن چه را كه يك نفر به عنوان پاداش مهم تلقي ميكند، ممكن است براي شخص ديگري مهم نباشد. افراد از نظر چگونگي پيشبيني موفقيت خود با هم متفاوتند. با اين حال عليرغم پيچيدگي انگيزش، ترديدي نيست كه انگيزش اساس مديريت است. اگر مديران نتوانند به گونهاي كاركنان را تشويق به كار كنند، در مديريت موفق نخواهند شد. دربارة انگيزش، نظريات متفاوتي ابراز شده است؛ ويكتور روم، مازلو، فردريك هرزبرگ، مك كلاند، وسل گلرمن و گري دسلر كه مشهورترين آن‌ها نظريه ابراهام مازلو است كه براساس سلسله مراتب نيازها از مادي به معنوي تنظيم شده است. او معتقد است تامين نياز عمدهترين عامل انگيزش است. خاصيت انگيزش اين است كه افراد بدون خستگي و بيهودگي با عشق و علاقه نهايت توان را به كار ميگيرند تا نيازهاي خود را تامين كنند در نظريه مديريت رحماني بالاترين انگيزش به برآورده شدن متعالي‌ترين نيازها اختصاص يافته است. در حكومت مهدوي انگيزش ياران مهدي به اوج ميرسد.

36ـ مفضل بن عمر از امام صادق(ع) سوال كرد آقاي من حضرت مهدي(عج) از كجا و چه‌گونه ظهور ميكند؟ امام(ع) فرمود:

اي مفضل تنها ظاهر ميشود و تنها به خانه خدا ميآيد و تنها وارد كعبه ميشود و آن روز را به تنهايي به شب ميرساند. چون شب فرا آمد و مردم همه خواب رفتند جبرئيل و ميكائيل و صفوف فرشتگان از آسمان نزد او فرود ميآيند. جبرئيل به او مي‌گويد: آقاي من سخنت روا و امرت نافذ است. آن حضرت دست مبارك بر صورت خود ميكشد و ميگويد: ستايش خداي را كه وعده خويش استوار فرمود و زمين را در قبضه ما گذاشت. در هر كجاي بهشت كه بخواهيد منزل مي‌گيريم چقدر خوب است اجر و پاداش عملكنندگان در بين ركن و مقام ميايستد و به آواز بلند ميگويد: اي جماعت نقبا، اي خاصان و آنان‌كه شما را (خداوند) پيش از ظهور براي نصرت من ذخيره كرد، از صميم دل و اطاعت كامل نزد من آييد. صداي مبارك آن حضرت در شرق و غرب عالم به آنها ميرسد، بعضي از آن‌ها در محراب به عبادت مشغول و بعضي در رختخواب مي‌باشند. به همين يك صدا همه آواز او را ميشنوند، دعوتش را اجابت كرده و اندازة يك چشم بر هم زدن به مكّه ميآيند. همة آنان پيش او در بين ركن و مقام حاضر ميشوند. خداوند امر مي‌فرمايد نوري از آسمان تا زمين ستونوار كشيده شود و به آن نور همة مؤمنان كه در روي زمين هستند روشنائي مي‌گيرند و نوري از آن به اندرون خانههاي مؤمنان بتابد و دلهاي آنان به تابش آن نور خرم و خرسند ميشود.

37. گويا ميبينم كه اصحاب قائم(عج) را كه بين آسمان و زمين را پر كردهاند. چيزي نيست مگر مطيع آن‌ها حتي درندگان زمين و هوا همه چيز و همه كس درصدد تامين رضايت آنها هستند. زميني بر زميني ديگر فخر ميكند و ميگويد امروز بر من يكي از اصحاب قائم(عج) گذشته است.

38. فرج ما هنگامي است كه صاحب اين امر (قائم) با ميراثهاي پيامبر اكرم(ص) از مدينه خارج شده رهسپار مكه معظمه گردد، راوي پرسيد: ميراث پيامبر اكرم(ص) چيست؟ فرمود: شمشير، زره، عمامه، بُرد، تازيانه، پرچم، كمان و زين است. آن حضرت چون وارد مكه شد شمشير را از غلافش در ميآورد، زره و بُرد و عمامه را ميپوشد، پرچم را برافراشته تازيانه را به‌دست ميگيرد و از خداي تبارك و تعالي اذن ظهور ميطلبد.

39. امام باقر(ع) فرمود:

زماني كه قائم ما قيام كند دستش را بر سر بندگان قرار ميدهد، پس عقل‌هاي آنها را جمع ميكند و خواستههاي آنان با اين كار كامل ميشود.

40. امام صادق(ع) در حديثي طولاني كه در آن آمار ياران حضرت مهدي(عج) را به تفصيل كشورهاي آنها ذكر كرده است. در ضمن آن ابوبصير ميپرسد:

فدايت شوم آيا در زمين غير از آنان كسي مؤمن نميباشد؟ فرمود: بلي، ولي اينان كسانياند كه خداوند قائم (عج) را از ميانشان برگزيد. و آنان نجبا، قضاة، حكّام و فقها در دين هستند. خداوند ظاهر و باطن آنان را پاك كرده به‌گونهاي كه هيچ امر و حكمي بر آنان مشتبه نميشود. هر كدام از آنان خودش را با 300 نفر برابر مي‌داند.

تا اين‌جا، چهل حديثي كه آورده شد، چهار وظيفة يك مدير اسلامي و مهدوي روشن گرديد. وظيفه پنجم كه رهبري است، در حقيقت مجموعه اين چهار وظيفه و چهل حديث است. البته در اين نوشته فرصت اين مختصر مجال پرداختن به آن را نميدهد.

انگيزش هم از اين احاديث خاص برداشت مي‌شود و هم از مجموعه چهل حديث. وقتي امامي عادل باشد. خصايص رسول خدا(ص) را داشته باشد تمام ودائع رسول خدا(ص) را با خود حمايل كرده باشد، (حديث 38) آن برنامه عادلانه و آن نظارت عدالت محور و آن سازماندهي مبتني بر اعتدال را داشته باشد، بديهي است كه همه به فرمانش در آيند. وقتي مساوات برقرار شود، هر كس به حق خود برسد و در جاي خويش قرار گيرد. چگونه ممكن است كه انگيخته نشود. وقتي مهدي(عج) ظهور كند از مكه صدا زند هر جا باشد خود را برساند (حديث 32) ?اينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً? وقتي آن امام همام دست شفقت و قدرت بر سرها مي‌كشد، عقل و انديشه را جمع ميكند، عقل جمعي را به عقل فردي برتري مي‌دهد و آرزوهاي كودكانه و دراز را به آرزوهاي واقعي و شرعي تبديل ميكند (حديث 39). چگونه جهش و جنبش در ياران ايجاد نشود و جان خود را پناه او قرار ندهند؟ (حديث 10) و هرچه را اشاره كند با جان و دل انجام ندهند. (حديث 10).

بيترديد اصليترين عامل انگيزش، وجود عدالت است كه در تار و پود نظام مهدوي مشهود است. در سازماندهي، نظارت برنامهريزي، رهبري و هماهنگي، اين عنصر است كه ياران او را به اهتزاز و ابتهاج در مي‌آورد.

اگر ملاك انگيزش را تامين انواع نيازها بدانيم، طبق حديث 23 اين نيازها كامل اشباع ميشود و طبق حديث 9 (هرگاه كه يكي از مومنان نياز و درخواستي از حضرت داشته باشد قائم (عج) فرشتهاي را به سراغ او ميفرستد تا او را نزد قائم (عج) ببرد پس نيازش برطرف خواهد شد. و مجددا به محل كار خود برگردانده خواهد شد). لذا مانعي از انگيزش وجود ندارد. واضح است كه برطرف كردن نيازها جلوهاي تمام از عدالت و مساوات و برابري است. به عكس، ظلم، اجحاف و تبعيض در فروكاهيدن انگيزههاي انقلابي و فداكارانه بسيار موثر است و چون امام مهدي(عج) مظهر عدل، بلكه خود عدل است، عدل مشتهر و منتظر است. او ظلم و جور فراگير را ريشه كن ميكند خواه ناخواه، همه به شكل اعجاب انگيزي برانگيخته مي‌شوند. خداوند در قرآن چنين مي‌فرمايد:

اي كساني كه ايمان آوردهايد هر كدام از شما از دينش برگردد خداوند به زودي قومي را جايگزين آنان ميكند كه دوستشان ميدارد و آنان نيز خدا را دوست ميدارند. آنان در نزد مؤمنان فروتن هستند و در برابر كافران سربلند در راه خدا مجاهدت ميكنند و از ملامت سرزنش كنندگان نمي‌هراسند. اين فضل الهي است كه به هر كس بخواهد عطا ميكند.

كه عدهاي از مفسران اصحاب مهدي را مصداق بارز اين آيه مي‌دانند.

درپايان اميدواريم كه ما منتظران كه انقلاب كردهايم و به پيروي از نائب عدل آن حضرت زمينهساز ظهور او ميخواهيم باشيم، با نهادينه كردن عدالت در آفاق و انفس، در بينش و ارزش و روش، بتوانيم زمان ظهور آن عدل مشتهر را نزديك كنيم و اداره و مديريت امور خود را به مهدي(عج) بسپاريم. كه با عدالت تمام بهشتي قبل از بهشت برايمان تحقق بخشد.